



A Study of Islamic Identity in Contrast with Global, National, and Ethnic Identities (Case Study: Student Teachers at Farhangian University, Markazi Province)

Mohammadreza Ansari¹ | Seyed Mohammad Alhoseini²

1. Ph.D in sociology and Social researcher; Email: mransari@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Ph.D in sociology and Social Researcher in Farhangian university ; Email: smalhoseini@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received 26 August 2024

Received in revised form 29

September 2024

Accepted 10 March 2025

Published online 9 April 2025

Keywords:

Farhangian University,
Islamic Identity,
National Identity,
Ethnic Identity..

ABSTRACT

This study investigates the effects and interactions between cultural, national, global, and Islamic identities within the sample population. The results indicate that ethnic identity primarily emphasizes personal and social emotions and affiliations, with less focus on historical and research-based aspects. Global identity is characterized by a strong respect for universal values and norms, yet it is accompanied by skepticism regarding the integration of the national economy with the global economy. In terms of Islamic identity, concerns about religious restrictions and the lowest level of interest in religious studies and education are observed. Correlation analysis reveals a positive relationship between Islamic, national, and ethnic identities, while these identities exhibit a negative correlation with global identity. Regression analysis further confirms that strengthening Islamic identity leads to the reinforcement of national and ethnic identities and the weakening of global identity. A comparison with previous research indicates that globalization brings about changes in religious identity and poses challenges to the preservation of Islamic identity. Additionally, the positive interaction between national and religious identities, as well as the significant role of education in strengthening cultural identities, is affirmed. These findings can assist policymakers and cultural planners in developing more effective programs to reinforce diverse identities within society by fostering a better understanding of the interactions between them..

Cite this article: Ansari, M., & Alhoseini, S.M. (2025) A Study of Islamic Identity in Contrast with Global, National, and Ethnic Identities ... *Sociological Review (Social Science Letter)*, 32 (1), 411-428.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.382648.2003>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.382648.2003>

مطالعه هویت اسلامی در مقابل هویت های جهانی، ملی و قومی

مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

محمد رضانصاری^۱ | سید محمد الحسینی^۲

۱. دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر اجتماعی؛ رایانامه: mransari@ut.ac.ir
 ۲. دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر اجتماعی دانشگاه فرهنگیان . رایانامه: smalhoseini@cfu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ کلیدواژه‌ها: هویت اسلامی، هویت ملی، هویت جهانی، هویت قومی، دانشگاه فرهنگیان	این مطالعه به بررسی تأثیرات و تعاملات بین هویت‌های فرهنگی، ملی، جهانی و اسلامی در جامعه نمونه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که هویت قومی بیشتر بر احساسات و تعلقات شخصی و اجتماعی تأکید دارد و کمتر به جنبه‌های تاریخی و تحقیقی می‌پردازد. هویت جهانی با احترام زیاد به ارزش‌ها و قوانین جهانی، اما با شک و تردید نسبت به پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی همراه است. در هویت اسلامی، نگرانی از محدودیت‌های دینی و کمترین علاقه به مطالعه و آموزش دینی مشاهده می‌شود. تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین هویت‌های اسلامی، ملی و قومی همبستگی مثبت وجود دارد، اما این هویت‌ها با هویت جهانی همبستگی منفی دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نیز تأیید می‌کند که تقویت هویت اسلامی منجر به تقویت هویت ملی و قومی و تضعیف هویت جهانی می‌شود. مقایسه با پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که جهانی‌شدن منجر به تغییراتی در هویت دینی و چالش‌هایی در حفظ هویت اسلامی می‌شود. همچنین، تعامل مثبت بین هویت‌های ملی و دینی و نقش مهم آموزش و پرورش در تقویت هویت‌های فرهنگی تأیید شده است. این یافته‌ها می‌توانند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کمک کنند تا با درک بهتر از تعاملات بین هویت‌ها، برنامه‌های موثرتری برای تقویت هویت‌های مختلف در جامعه اجرا کنند.

استناد: انصاری، محمد رضا؛ و الحسینی، سید محمد (۱۴۰۴). مطالعه هویت اسلامی در مقابل هویت های جهانی، ملی و قومی... مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۳۲ (۱)، ۴۱۱-۴۲۸.

DOI: <http://doi.org/10.22059/JSR.2025.382648.2003>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

آگاهی از «بودن در جهان»، سؤال از کیستی و چیستی خود، شناخت و معرفت نسبت به خود و اطلاع از تمایز و شباهت خود با دیگری، احساس تعلق به مجموعه مشابهی از خودها در چارچوب «ما» و احساس تفاوت و تمایز با مجموعه متفاوتی از خودها در چارچوب «آنها»؛ تنها به انسان و زندگی فردی و اجتماعی او اختصاص دارد و همواره شناخت این مکانیسم و پیامدهای رفتاری و سیاسی آن مورد تدقیق و مطالعه انسان‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان، سیاست‌شناسان و اصحاب اندیشه و خرد یعنی فلاسفه بوده و خواهد بود. (انصاری: ۱۳۹۹) در چند دهه گذشته پرسش از هویت در میان جامعه‌شناسان مورد بحث و مناقشه بوده است. یکی از مهمترین مناقشات مربوط به هویت، منابع و شالوده‌های تشکیل هویت در جامعه مدرن است. طرفداران هویت‌های مدرن با تفکیک دوگانه جامعه مدرن و سنتی، معیارهای تمایزیابی و ارائه هویت بر اساس ویژگی‌های خودبنیاد را ویژگی جامعه مدرن تعریف کرده و نقش و تاثیر مولفه‌های ساختاری مانند دین، قومیت و ملیت در زندگی اجتماعی را کم رنگ می‌دانند و معتقدند هویت‌های کنونی بر مبنای علایق و مسایل مشترک جهانی و در چارچوب ویژگی‌های محوری تجدد شکل گرفته و در دهه‌های اخیر از میان عناصر ویژگی بخش تجدد، فرهنگ مصرفی متناسب با نظام سرمایه‌داری نقش مهمی داشته است. به این معنا که در فرایند جهانی شدن فرهنگ، مصرف به منبع اصلی هویت و تمایز اجتماعی تبدیل شده است. بدین ترتیب تا حدودی، مصرف جایگزین پیوندهای سیاسی، قومی، طبقاتی و غیره شده است و از مهمترین عوامل هویت بخش زندگی مدرن به شمار می‌آید. رفتارهای اجتماعی بر مبنای مصرف نوعی، استراتژی‌های فرهنگی هستند که در شرایط افول هویت‌های سنتی، ابراز وجود را از طریق تولید کالایی هویت ممکن می‌سازند (فریدمن، ۱۹۹۴؛ ۱۹۱). مصرف در چنین شرایطی معطوف به هویت است و بازسازی فرهنگی خویشتن به واسطه امکان‌های ارائه‌شده در بازار سرمایه‌داری نهادینه می‌شود. فرهنگ مصرفی باعث می‌شود تا فرد به جای این که از طریق روابط اقتصادی (طبقه) یا پیوندهای سیاسی (ملیت) و پیوندهای محلی (قومیت) هویت پیدا کند با خوردن، نوشیدن، پوشیدن و نحوه گذران اوقات فراغت یا به عبارتی دیگر شیوه زندگی هویت یابد نه بر مبنای علایق و تعلقات فرهنگی (انصاری: ۱۳۹۹).

در عصر جهانی‌شدن، فرایندهای اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی به شدت به هم پیوسته و در حال تغییرند. این تحولات جهانی، که توسط فناوری‌های پیشرفته و شبکه‌های ارتباطی تسریع شده‌اند، بر هویت‌های فردی و جمعی تأثیرات عمیقی داشته‌اند (Giddens, ۱۹۹۰). در این میان، هویت اسلامی به عنوان یک هویت مذهبی و فرهنگی که ریشه در باورها و ارزش‌های دینی دارد، با چالش‌های بسیاری مواجه شده است. جهانی‌شدن نه تنها به انتشار ایده‌ها و فرهنگ‌ها از سراسر جهان کمک کرده است، بلکه منجر به ظهور هنجارها و ارزش‌های جدیدی نیز شده است که گاه با ارزش‌های اسلامی در تضاد قرار دارند. این پدیده‌ها می‌توانند منجر به تضادهای هویتی شوند که در سطح فردی و جمعی بروز می‌کنند (Held et al., ۱۹۹۹). در این راستا، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان که به عنوان مربیان آینده نقش مهمی در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و دینی دارند، به طور خاص در معرض این چالش‌ها قرار دارند. مطالعات مختلف نشان می‌دهند که هویت‌های جهانی و ملی هر یک به نوبه خود می‌توانند تأثیرات متفاوتی بر هویت اسلامی افراد داشته باشند. هویت جهانی، که توسط رسانه‌ها و فرهنگ‌های مختلف ترویج می‌شود، ممکن است منجر به کاهش تمایل به ارزش‌ها و باورهای سنتی اسلامی شود (Esposito & Voll, ۲۰۰۱). در مقابل، هویت ملی که بر پایه ارزش‌ها و تاریخ ملی بنا شده است، می‌تواند به عنوان یک نیروی مقاوم در برابر جهانی‌شدن عمل کند و تلاش کند تا هویت اسلامی را تقویت کند (Castells, ۲۰۱۰). در این میان، دانشگاه‌ها به عنوان مراکز تولید و انتقال دانش و فرهنگ نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت دانشجویان دارند. دانشگاه فرهنگیان به دلیل نقش ویژه‌ای که در تربیت معلمان و مربیان آینده دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

دانشجویان این دانشگاه‌ها نه تنها در معرض آموزش‌های علمی و حرفه‌ای قرار دارند، بلکه تحت تأثیر ایده‌ها و ارزش‌های مختلفی که از طریق ارتباط با اساتید، همکلاسی‌ها و منابع مختلف اطلاعاتی به آن‌ها منتقل می‌شود نیز قرار دارند (Yavuz, ۲۰۰۳). پرسش اصلی این پژوهش این است که چگونه هویت اسلامی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در مواجهه با هویت‌های جهانی و ملی شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند؟ به عبارت دیگر، این مطالعه به دنبال فهم این است که چگونه فرایندهای جهانی‌شدن و ملی‌گرایی بر هویت اسلامی این دانشجویان تأثیر می‌گذارد و چه عواملی می‌توانند این تأثیرات را تقویت یا تضعیف کنند. محیط دانشگاهی در اراک به عنوان محلی برای آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت دانشجویی دارد. ارتباطات میان دانشجویان از اقوام و شهرهای مختلف در این محیط، زمینه را برای تبادل فرهنگی و شناخت بیشتر فراهم می‌آورد. از سوی دیگر رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه اینستاگرام به شدت بر هویت‌یابی دانشجویان اثرگذار هستند. این رسانه‌ها به عنوان ابزاری برای بازنمایی و بازتعریف هویت، فضای جدیدی را برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی فراهم کرده‌اند. دانشجویان دانشگاه فرهنگیان اراک با چالش‌هایی همچون تضادهای فرهنگی، شکاف بین ارزش‌های سنتی و مدرن، و فشارهای اجتماعی مواجه هستند. این چالش‌ها می‌تواند باعث سردرگمی هویتی و حتی بحران هویت در میان برخی از دانشجویان شود. فعالیت‌های دانشجویی در اراک، به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، نشان‌دهنده تلاش دانشجویان برای یافتن هویت و جایگاه خود در جامعه است. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل برگزاری رویدادهای فرهنگی، همایش‌ها و نشست‌های تخصصی باشد که به بازتعریف هویت جمعی دانشجویان کمک می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که هویت اسلامی می‌تواند به عنوان یک منبع قوی هویتی عمل کند که در برابر تأثیرات جهانی‌شدن مقاومت کند، اما در عین حال ممکن است تحت تأثیر فشارهای ناشی از هویت‌های ملی و جهانی تغییر کند. به عنوان مثال، در کشورهایی که تأکید بیشتری بر ارزش‌ها و هنجارهای ملی دارند، ممکن است هویت اسلامی به عنوان بخشی از هویت ملی تلقی شود و تقویت گردد. اما در کشورهایی که تحت تأثیر شدید جهانی‌شدن قرار دارند، ممکن است هویت اسلامی با چالش‌های بیشتری مواجه شود (Hunter, ۱۹۹۸).

هدف این تحقیق، بررسی و تحلیل این تضادها و تعاملات در میان دانشجویان دانشگاه فرهنگیان است. این مطالعه به دنبال ارائه تصویری جامع از چگونگی شکل‌گیری هویت اسلامی در مقابل هویت‌های جهانی و ملی و عوامل مؤثر بر این فرآیندها است. نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران آموزشی و فرهنگی در طراحی برنامه‌هایی که به تقویت هویت اسلامی دانشجویان کمک کند، یاری رساند (Huntington, ۱۹۹۶).

پیشینه پژوهش

فرزاد جهانگیری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر هویت دینی دانشجویان دانشگاه‌های ایران"، این پژوهشگران به بررسی تأثیرات جهانی‌شدن بر هویت دینی دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف ایران پرداختند. نتایج نشان داد که جهانی‌شدن می‌تواند منجر به تغییراتی در هویت دینی دانشجویان شود، اما این تغییرات بسته به میزان تعامل با فرهنگ‌های خارجی و ارزش‌های دینی متفاوت است. زهرا حسینی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان "تعامل هویت ملی و دینی در میان دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه‌های تهران"، حسینی و همکاران به بررسی نحوه تعامل و تأثیر متقابل هویت ملی و دینی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران پرداختند. یافته‌ها نشان داد که بسیاری از دانشجویان توانسته‌اند تعادلی میان هویت دینی و ملی خود برقرار کنند و از تضادهای احتمالی جلوگیری کنند. محمدتقی معصومی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "چالش‌های هویت اسلامی در

عصر جهانی شدن: مطالعه‌ای بر روی دانشجویان دانشگاه‌های فرهنگیان^۱، معصومی و همکاران به بررسی چالش‌های هویت اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه‌های فرهنگیان پرداختند. نتایج نشان داد که جهانی شدن و مواجهه با فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به چالش‌هایی در هویت اسلامی منجر شود، اما با تقویت آموزه‌های دینی و فرهنگی می‌توان این چالش‌ها را مدیریت کرد. لیلا کاظمی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "نقش آموزش و پرورش در تقویت هویت اسلامی دانشجویان: مطالعه‌ای در دانشگاه فرهنگیان"، کاظمی و همکاران به بررسی نقش نظام آموزشی در تقویت هویت اسلامی دانشجویان پرداختند. این تحقیق نشان داد که برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های فرهنگی می‌توانند به طور مؤثری در تقویت هویت اسلامی دانشجویان نقش داشته باشند. احمد نادری و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان "تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت اسلامی دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران"، نادری و همکاران به بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر هویت اسلامی دانشجویان پرداختند. نتایج نشان داد که استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به تغییراتی در هویت اسلامی دانشجویان شود، اما این تأثیرات بسته به نوع محتوا و میزان استفاده متفاوت است.

پیتر مندویل^۱ (۲۰۲۰) در کتاب اسلام و سیاست^۲ به بررسی تأثیرات جهانی شدن بر هویت اسلامی و سیاسی مسلمانان در سراسر جهان پرداخته است. وی تأثیرات جهانی شدن، مهاجرت و ارتباطات بین‌المللی را بر هویت اسلامی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان در کشورهای مختلف تلاش می‌کنند تا هویت اسلامی خود را در برابر ارزش‌ها و هنجارهای جهانی حفظ کنند. طریق مدود و ناصر میر^۳ (۲۰۱۹) در مقاله‌ای با عنوان وضعیت چندفرهنگی که در آن هستیم: مسلمانان، «چندفرهنگی» و «تبادل مدنی» چندفرهنگی‌گرایی بریتانیا^۴ به بررسی تعامل هویت اسلامی با هویت ملی و چندفرهنگی در بریتانیا پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که مسلمانان در بریتانیا چگونه میان هویت‌های دینی و ملی خود تعادل برقرار می‌کنند. جاسلین سزاری (۲۰۱۴)^۵ در کتاب بیداری دموکراسی اسلامی: دین، مدرنیته و دولت^۶ به بررسی تغییرات هویتی مسلمانان در کشورهای مختلف به‌ویژه در رابطه با جهانی شدن و نوگرایی پرداخته است. وی نشان می‌دهد که چگونه مسلمانان در مواجهه با تحولات جهانی و سیاست‌های دولت‌ها هویت خود را بازتعریف می‌کنند. عمر صفی و سحر خمیس^۷ (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان اسلام دیجیتال: بازنمایی و بسیج^۸ به بررسی نقش رسانه‌های دیجیتال در شکل‌گیری و تغییر هویت اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به تقویت یا تضعیف هویت اسلامی در میان جوانان مسلمان منجر شود. مارتا نوسبام^۹ (۲۰۱۲) در کتاب عدم تحمل مذهبی جدید: غلبه بر سیاست ترس در عصری پراضطراب^{۱۰} به بررسی تعامل هویت‌های دینی و ملی در جوامع مدرن پرداخته و به‌ویژه به چالش‌های پیش‌روی مسلمانان در کشورهای غربی پرداخته است. وی نقش سیاست‌های دولتی و اجتماعی را در تقویت یا تضعیف هویت دینی بررسی می‌کند.

¹ Peter Mandaville

² "Islam and Politics," Mandaville

³ Tariq Modood and Nasar Meer

⁴ "The Multicultural State We're In: Muslims, 'Multiculture' and the 'Civic Re-balancing' of British Multiculturalism

⁵ Jocelyne Cesari

⁶ The Awakening of Muslim Democracy: Religion, Modernity, and the State

⁷ Omar Safi and Sahar Khamis

⁸ Digital Islam: Representation and Mobilization

⁹ Martha Nussbaum

¹⁰ The New Religious Intolerance: Overcoming the Politics of Fear in an Anxious Age

مبانی نظری

از منظر پست مدرن، همانطور که سرعت و دامنه‌ی پیچیدگی جوامع افزایش می‌یابد و هر لحظه بر شتاب و شدت آن افزوده می‌شود، آنچه که به نام هویت خوانده می‌شود نیز هر چه بیشتر و بیشتر ناپایدارتر و شکننده‌تر می‌شود. در وضعیت پست مدرن هویت‌های کلات، تجویزی، یکپارچه و واحد به تدریج رنگ می‌بازند و در بستر مناسبات کثرت‌گرایانه، تردید آمیز، نسبی و دائماً در حال تغییر و تحول، قاطعیت و وجه غالب خود را از دست می‌دهند و رو به افول و زوال می‌گذارند و جای خود را به هویت‌های خرد، بومی، محلی، منطقه‌ای، متنوع، متفاوت و هویت‌های طرد و سرکوب شده و به حاشیه رانده شده‌ی سابق می‌دهند؛ جای خود را به هویت‌هایی می‌دهند که تا پیش از این اساساً به چشم نمی‌آمدند و نه هویت که ضد هویت محسوب می‌شدند. در کنار این هویت‌های خرد و متکثر، هویت‌های جدید و نوظهور دیگری نیز سر بر می‌آورند و در عین حال، زمینه برای هویت‌ها و خودهای آتی و در حال ظهور بی‌شمار متنوع دیگر نیز فراهم می‌گردد. آنچه که گفتمان‌های نظری پست مدرن در چنین وضعیتی صورت می‌دهند، حمله و انتقاد علیه گفتمان‌ها و منظومه‌های نظری و فلسفی کلاسیک و مدرن درباره‌ی هویت، یا به تعبیر دیگر به زیر سوال بردن قرائت‌ها و روایت‌های غالب موجود درباره‌ی هویت است. هسته و محور اصلی این فرایند تعریض عبارت است از زیر سوال بردن اصل مفهوم هویت؛ بالاتکلیف و پا در هوا ساختن آن و قرار دادن آن در نوعی وضعیت تعلیق و تعویق و بالاخره اقامه‌ی این داعیه‌ی شالوده‌شکن و بنیان‌برانداز که تمامی آنچه که از سپیده دمان تاریخ و تمدن و فرهنگ تا کنون به نام "هویت" به ما تلقین و تحویل گردید، جز افسانه و توجه چیز دیگری نیست (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

مدرنیته به تعبیر زیگموند باومن، متضمن این عقیده است که نفی قید و بندهای سنتی، موجب تسریع روند پیشرفت و هدایت آن به سوی رهایی انسان می‌گردد. لیکن تقویت حال و آینده و نفی گذشته به منزله‌ی مبنایی برای کنش و خودیت افراد را مجبور می‌سازد تا در سرنوشت هویت خود اشک نموده و آن را زیر سوال ببرند. بدین ترتیب، آنچه که در عرصه‌ی گفتمان نظری پست مدرن به عنوان مخالفت با هویت کلاسیک و مدرن با آن مواجه خواهیم شد، جریانی است که ریشه‌های آن را باید در نظریه‌ی انتقادی مکتب فرانکفورت، پساساختارگرایی و روانکاوی پسا فرویدی جستجو نمود. در وضعیت پست مدرن، زندگی اجتماعی به مراتب سریع‌تر و متحول‌تر و پیچیده‌تر از اشکال قبلی آن به ویژه در صورت بندی مدرنیته رخ نموده است. انسان در این وضعیت، هر روز با مطالبات و خواسته‌های بیشتری روبرو می‌شود؛ بی‌شمار هویت‌های ممکن و متحمل سر بر می‌آورند؛ جامعه نیز، به منزله‌ی عرصه‌ی حضور هویت‌های قدیم و ظهور هویت‌های جدید، بیش از هر زمان دیگر در حال فروپاشی و تجزیه و تلاشی است و در عین حال، سوژه‌ها مجبورند نقش‌های متنوع بی‌شماری را تقبل کنند. بدین ترتیب پساساختارگرایان، شارحان پست مدرن و طرفداران شالوده‌شکنی با بهره برداری از دیدگاه‌های انتقادی پیشین دست به تدوین منظومه‌ی انتقادی خود زدند (نوذری، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

مفهوم هویت در بستر تاریخ، دستخوش تحولات عدیده‌ای شد. هویت سنتی و شخصی گذشته که در قالبی واحد و ثابت عرضه می‌شد و به منزله‌ی موجودیتی کامل و بی‌نقص می‌نمود، دارای کارویژه‌های مشخصی برای خود بود. در جوامع سنتی با رخساره‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خاص، هویت، اساساً در خدمت تحقق کار ویژه‌های مذکور و ایفای نقش‌های اجتماعی-فرهنگی از پیش تعیین شده قرار داشت. با گذشت ایام و تحول ساختاری صورت بندی‌ها و رخساره‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در پی تحول مناسبات و ظهور گروه‌ها، اقشار و نیروهای اجتماعی جدید، کارویژه‌ها و نقش‌های جدیدی نیز سر برآورد. نیروهای اجتماعی مذکور که دیگر قالب‌های سنتی و جزمی هویت را بر نمی‌تابیدند، با امتناع از شناساندن خود در قالب‌های مذکور در صدد هویت‌ها و قالب‌های شناسایی جدیدی برای خود برآمدند و بدین ترتیب بود که هویت‌های جمعی مدرن حال، در مقابل هویت‌های فردی و شخصی سنتی گذشته سر بر آورد. این هویت‌های جدید نیز در پی گسترش مناسبات اقتصادی - اجتماعی و تحولات پر شتاب در

عرصه های مختلف حیات سیاسی و فرهنگی، گرچه کارویژه های تعیین شده ای برای خود داشتند، از جهات مختلف مورد تردید و تشکیک قرار گرفتند و آرام آرام جای خود را به هویت های پر شمار و ناپایدار دیگری می سپارند. فرآیند تدریجی مذکور نیز با تحولات عدیده ی ناشی از ظهور رخساره های اقتصادی - اجتماعی پسا صنعتی همراه بود که در بخش های مختلف حوزه های خصوصی و عمومی جهان زیست رخ نمودند؛ شرایطی که در مجموع به "وضعیت پست مدرن" انجامید. وضعیتی که، به تعبیر لیوتار، در عرصه های مختلف فرهنگ، جامعه، سیاست، اقتصاد، اخلاق، ارزش ها و اعتقادات نوعی بی اعتمادی و ناباوری نسبت به روایت های کلان و فراروایت ها به چشم می خورد. فرهنگ پست مدرن در این وضعیت بیانگر کثرت تصاویر، گسترش ارتباطات و حضور همه جانبه ی رسانه های اطلاعاتی و سیطره ی تکنولوژی ارتباطی و نفوذ گسترده ی پدیده هایی چون: تصاویر، صحنه ها، داستان ها و متون یا تولیدات و بسترهای فرهنگی متنوع، متکثر، نسبیت گرا و دایما در تغییر و تحول به شمار می رود. این وضعیت به نوبه ی خود به تکوین و ایجاد هویت های جدید و ساختار آنها کمک می کند. بدین ترتیب هویت های متعدد و متکثر، نسبی، سیال و متحول ساخته می شوند. تصاویر، به ترسیم و فراقتنی الگوهای نقش و جنسیت، ارائه ی اشکال متفاوتی از الگوهای رفتاری، سبک ها، سلیقه ها، گرایش ها، مد و غیره می پردازند. در وضعیت پست مدرن، یا در سطح کلی تر و عمومی تر آن یعنی در جامعه ی پسا صنعتی پست مدرن، بر خلاف تصور رایج، هویت به جای آنکه محو و ناپدید گردد، به صورت امری بر ساخته سر بر می آورد. از آنجا که بستر ها و شرایط موجود در جهان زیست، شرایطی کاملا متنوع و متکثر و دایما در حال تحول محسوب می شوند، هویت بر ساخته ی چنین بسترها و شرایطی نیز همانند آنها متنوع و متکثر و دایما در حال دگرگونی و تغییر است. هویت صرفا تابع تعین ها و جبرها و تصمیم های از پیش اتخاذ شده نیست؛ بلکه با ظهور نیروهای اجتماعی جدید و مناسبات فرهنگی و گفتمانی نو ظهور مرتبط است. همانگونه که بارها اشاره شد، امکانات، سبک ها و اشکال جدیدی نیز عرضه می دارد؛ اما تنوع و کثرت بیش از حد، مواضع ذهنی و تنوع فراوان امکانات و چشم اندازها برای هویت، بدون تردید در یک فرهنگ تصویری مرفه هویت های بسیار بی ثباتی خلق می کند (کلنر، ۱۹۹۲: ۱۷۴). گرچه در همان حال مدام راه های تازه ای برای بازسازی و تجدید ساختار هویت فراهم می سازد.

در برخورد با مقوله هویت، آنچه در گفتمان های نظری و رویکردهای تحلیلی و انتقادی چند دهه اخیر به ویژه در قالب گفتمان ها و رویکردهای پسا ساختارگرایی، فمینیستی و پسا مدرن قرار می گیرد و در حقیقت وجه مشترک و کانون تجمع و وحدت آنها به شما می رود، همانا تلقی از این مقوله به مثابه ی امری ایجاد و سازه ای است؛ امری که باید ایجاد شود و ساخته گردد و واجد ساختار و چارچوب معین شود و به طور مسلم، از پیش تعیین شده و مقدم بر تجربه نیست؛ بلکه در فرآیند مناسبات و تعامل های مختلف و در بسترها و صورت بندی های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می گردد. برخلاف رویکردهای کلاسیک، سنتی و مدرن که هویت را پدیده ای ذاتی، از قبل موجود و یکپارچه و منسجم تلقی می کنند. پست مدرن آن را امری اجتماعی و وابسته به بستر مناسبات اجتماعی معرفی می کند که دارای اجزا و عناصری چند پارچه، گسسته و ناهمگون است. بدین ترتیب نگرش پست مدرنیسم به هویت، نگاهی دو وجهی و دوگانه دارد: یکی وجه ضد ماهیت گرا و وجه دیگر آن ساختماندگرا یا سازه گرا. نگرش ضد ماهیت گرا در نقطه ی مقابل این دیدگاه قرار دارد که افراد واجد کانون یا هسته ای ازلی، بی زمان، همگانی و عام هستند که مبین اعمال و رفتار آنان است و حتی به شرح و تبیین آنها می پردازد. ضد ماهیت گرایی جریانی است که در یکی دو دهه ی اخیر در آثار نویسندگان فمینیست مورد مناقشه ی جدی قرار گرفته است. در این مناقشه ها، مفهوم جنسیت، به منزله ی یک ایده ی فرهنگی - و نه پدیده ای طبیعی و ذاتی - و همواره امری ضروری و بایسته تلقی می شود. بنابراین، از آنجا که غالبا به منظور شناسایی و تعریف جایگاه واقعی زنان بر حسب آنچه که جایگاه طبیعی آنان تلقی می شود، تلاش های مختلفی صورت می گیرد. به همین خاطر درباره

ی نحوه ی تلقی جامعه از چیزی که آن را سرشت یا طبیعت آنان تلقی می کنند، مناقشه های فراوانی به عمل می آید و در تقابل با برداشت مذکور سعی می شود .

وجه دوم نگرش پست مدرن، به هویت ساختمند گرایی یا سازه گرایی اشاره دارد. دو قرائت از این وجه وجود دارد: الف) افراد به جای آنکه با ماهیت یا ذات درونی و فطری خاص زاده شوند، در نتیجه ی تاثیر و تاثرات و عملکرد متقابل یک رشته عوامل اجتماعی بر آنها، به چیزی که هستند تبدیل می شوند و به صورتی که هستند، ساخته می شوند. به عبارت دیگر، انسان ها توسط اجتماع و طی فرآیند اجتماعی و به کمک عوامل اجتماعی ساخته، تعیین و تعریف می شوند. ب) انسان ها می توانند کم و بیش آزادانه هویت های خود را برای خودشان بسازند و تا حدودی این حق را دارند که تعیین کنند که چگونه به بازنمایی " خود " پردازند .

در جمع بندی نتایج حاصل از مرور دیدگاه های نظری و منابع تجربی موجود در ارتباط با هویت با تأکید بر دیدگاه های سطح خرد می توان گفت که هویت امری اجتماعی است و در ارتباط با اجتماع و دیگران معنا و مفهوم می یابد. شکل گیری و یا تغییر آن بسته به عوامل و شرایط مختلف در سطح خرد و کلان و ارتباط متقابل این دو سطح دارد. نکته ای دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که یک فرد می تواند دارای چندین هویت مختلف بوده و وجود آنها در کنار همدیگر به منزله نوعی تعارض و تناقض و یا نفی یکدیگر قلمداد نمی شود، بلکه این هویت ها می توانند در تعامل با یکدیگر بوده و بسته به شرایط و موقعیت های مختلف اجتماعی یکی از آنها شکل غالب پیدا کرده و فرد براساس آن خود را شناخته و در قبال آن احساس تعلق، تعهد و دلبستگی کند.

چارچوب مفهومی و نظری پژوهش حاضر مبتنی بر دو رویکرد جامعه شناختی است که از هر کدام از رویکردها برای تحلیل سطوح و ابعاد و منابع هویتی استفاده شده است. چارچوب اول متأثر از دیدگاه جامعه شناختی افرادی چون گیدنز است که معتقدند هویت در جهان امروز ویژگی بازاندیشانه دارد. گیدنز به عنوان جامعه شناس تلفیق گرا یکی از شناخته ترین و جامع ترین کوشش ها را در راستای تلفیق عاملیت و ساختار انجام داده است و نظریه هویت را با توجه به نظریه ساختار بندی می خواهد توضیح دهد. بدین معنا که کنشگر به صورت بازاندیشانه ای به ارزیابی فعالیت های خود در ساخت اجتماعی می پردازد و تأثیر گذاری و تغییر شرایط اجتماعی افراد اساساً نتیجه توانایی آنها در بازاندیشی نسبت به رفتار خویش است (ذکایی، ۱۳۸۱: ۳).

به نظر گیدنز هویت افراد براساس خودآگاهی و هم توسط شرایط و موقعیت های اجتماعی در زمان و مکان شکل می گیرد. وی معتقد است که عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خود آگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرآیند ساخت یابی قرار می دهد، به ویژه در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به زعم وی هر چیزی در زندگی اجتماعی از آن چه سیستم های جهانی در بر می گیرند تا آن چه که وضعیت فکری یک فرد محسوب می شود در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می آید. از این رو گیدنز معتقد است که هویت فرد در روند ساخت یابی و با توجه به موقعیت ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و نیز خود آگاهی شکل می گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). بر این اساس همیشه باید هویت خودمان را براساس زمان و فضا و تحت شرایط مختلف مورد تجدید نظر، بازبینی و مورد مشاهده قرار دهیم. به تعبیر دیگر در دوران اخیر بستر هویت سازی دگرگون می شود و به صورت پروژه ای انعطاف پذیر در می آید. گیدنز، تامل و بازاندیشی در زمینه هویت را منحصر به دوران مدرن می داند. در متن چالش های دنیای مدرن است که سنت و طبیعت، مرجعیت خاص خود را از دست می دهند و فرد در فضایی آکنده از اطلاعات، دائماً به تامل درباره ی هستی خویش می پردازد. از نظر گیدنز، هویت عبارت است از خود شخص آنگونه که شخص از خود تعریف می کند. به عقیده ی او، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می شود و در جریان زندگی، پیوسته تغییر می کند. بنابراین هیچ کس دارای هویت ثابتی نیست (همان: ۱۵). به نظر گیدنز، شرط اساسی تدارک هویت شخصی، استقرار اعتماد بنیادین است. هویت شخصی را نمی توان بر حسب ماندگاری آن در زمان مورد توجه قرار داد، بلکه هویت برخلاف خود به

عنوان پدیده ای عام، مستلزم آگاهی بازتابی است. وی معتقد است با کاهش نفوذ سنت و توسعه ی مدرنیته همراه با تفکیک و انسجام اجتماعی؛ امکان تحقق هویت های جمعی چندگانه و آزادی افراد در انتخاب آگاهانه و خردمندانه ی آنها، پدید می آید (ریترز، ۱۳۸۴: ۸۰). به این معنا نمی توان هویت را با ارجاع به کلیت های ساختاری از پیش مقدر تحلیل کرد بلکه افراد به عنوان کنشگر فعال در جهان اجتماعی در بستر تغییرات ساختاری کلان در ارایه روایتی از خود نقش موثری دارند. ادعای پژوهش حاضر این است که هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و انسان ها نخواهند توانست بدون داشتن چارچوبی برای تعیین هویت بصورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند اما نکته ای که حائز اهمیت است این است که هویت ها ی خالص مفاهیمی موهومند که اغلب بوسیله ایدئولوژی های کلی پرداز عصر مدرن عنوان شده اند، به سخن دیگر ایدئولوژی های مورد نظر در پی خالص سازی هویت قومی، ملی، مذهبی و غیره برآمده اند اما از چشم اندازی غیر ایدئولوژیک و یا چشم انداز دیالکتیک تاریخی هویت ها همواره ناخالص، مرکب، آمیخته، ناتمام، سیال، گذرا و در حال بازسازی هستند و بوسیله آنچه در قالب غیر تصور می شود، تعین و مشخص میابند. در دنیای امروز در نتیجه دسترسی به منابع متعددی هویتی بازسازی هویت اصل انکار ناپذیری است. بازسازی هویت نه تنها فراگیر است و به سطح معینی محدود نمی شود، انواع پر شمار و گوناگونی نیز دارد. که در اینجا به ذکر دو نمونه از آنها اشاره می کنیم گروهی از نظریات بر بازسازی های خاص گرایانه و دسته دیگر بر بازسازی های غیر خاص گرایانه (عام گرایانه) تاکید می کنند. بازسازی های خاص گرایانه در خاص گرایی های فرهنگی و بازسازی نوع دوم در عام گرایی های فرهنگی نمود می یابند. برای بحث از بازسازی غیر خاص گرایانه هویت بهتر است که ابتدا دو وجهی بودن تاثیر فرآیند جهانی شدن در عرصه هویت را مورد توجه قرار دهیم تا روشن شود که این فرآیند در عین حال که هویت سازی سنتی را مخدوش و مختل می سازد، امکانات و بسترهای جدیدی را برای بازسازی هویت فراهم می کند. فرآیند جهانی شدن صرفاً بحران آفرین نیست، بلکه ابزارهای کارآمدی را برای گذر از بحران عرضه می کند. به همین دلیل برخی نظریه پردازان در بحث از پیامدهای جهانی شدن، آن را موجد آزادی و اضطراب و فرصت و خطر می دانند و از دیالکتیک جهانی شدن سخن می گویند. فرآیند جهانی شدن نه تنها منابع هویت، بلکه امکانات هویت سازی را نیز افزایش می دهد و آزادی عمل فرد را در این عرصه به نحو چشمگیری بالا می برد. فرد در جوامع سنتی معمولاً بصورتی منفعلانه هویت می یافت و ناخودآگاه و خود به خود میراث دار هویتی می شد که در طول زندگی چندین نسل حفظ شده بود. این انفعال تا حدود زیادی از محدود و اندک بودن منابع هویت ناشی می شد. در چنین شرایطی تولید روایت های بدیل از خویشتن بسیار ناچیز بود و نوگرایی و بدعت با واکنش منفی مواجه می شد.

عرصه هویت سازی در جوامع سنتی چنان توسط نیروهایی مانند سنت، طبیعت، گفتمان مسلط و نهادهای اجتماعی، دینی، سیاسی، اشغال شده بود که فرد نمی توانست از حداقل خودمختاری و آزادی عمل برخوردار شود. ولی فرآیند جهانی شدن با فضامند ساختن زندگی اجتماعی زمینه رهایی فرد از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت سازی را فراهم آورد. گیدنز از این پدیده با عنوان تحول سنت و طبیعت یاد می کند. از دیدگاه او در جوامع سنتی طبیعت و سنت چونان چشم اندازهای نسبتاً ثابت و معین کار ویژه ساختار بخشی به زندگی اجتماعی و هویت را برعهده داشتند، این دو عامل تحت تاثیر فرآیند تجدد و جهانی شدن، مستقل از کنش انسانی، تحول یافته و تابع اراده و تصمیم انسان شدند، بدین ترتیب دنیایی با بازتاب گسترده شکل گرفت. انسان فارغ از قید و بندهای سنت و طبیعت در چنین دنیایی از آزادی و استقلال عمل چشمگیری برخوردار است و باید در فضای اجتماعی بسیار پهناور، دنیا و هویت خود را بسازد (همان: ۱۹۹۴: ۶) آن چه که بیان شد ویژگی های بازسازی غیر خاص گرایانه یا انعکاسی هویت می باشد که برای گذار از مرحله بحران هویت و معنا در جامعه جهانی معاصر ضرورت دارد. از نظر گیدنز در مرحله عالی تجدد بستر هویت سازی دگرگون می شود و بصورت پروژه ای رفلکسیو در می آید: هر اندازه سنت نفوذ خود را از دست می دهد و زندگی روزمره برحسب تعامل

دیالکتیکی محلی و جهانی بازسازی می‌شود. افراد به چانه‌زدن بر سر گزینش شیوه زندگی خود از بین گزینه‌های گوناگون وادار می‌شوند. (همان: ۱۵: ۱۹۹۱) البته لازم به یادآوری است که دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی مانند لش، گیدنز و آلبرودال بر این نیست که جامعه جهانی کنونی صرفاً عرصه بازسازی رفلکسیو هویت است و بازسازی خاص‌گرایانه محلی از اعراب ندارد. آنان وجود بازسازی خاص‌گرایانه نمود یافته در انواع جنبش‌های بنیادگرانه فرهنگی را می‌پذیرند ولی آن را الگویی فرعی و پیرامونی می‌دانند که با تداوم فرآیند جهانی شدن و پیشرفته‌تر شدن تجدد کم‌رنگتر خواهد شد. در حالی که نظریه‌پردازانی مانند کاستلز معتقد است که در جامعه شبکه محور، بازسازی هویت برپایه اصول جمعی صورت می‌گیرد که بنیادگرایی دینی، ملی‌گرایی و قومیت نموده‌های برجسته آن هستند.

کاستلز در تعریف خود از هویت بر ویژگی‌های فرهنگی سازنده آن تأکید می‌کند: اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرآیند معناسازی بر اساس ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۰). در بحث هویت باید به دو نکته توجه داشت: یکی تفسیر و برداشتی که فرد از خود دارد- در عین پذیرش و شناسایی کسان دیگر غیر از خود است- و دیگری تعامل و تبادل فرهنگی با دیگری است؛ یعنی در هویت‌یابی یا شناخت کیستی خود، شناسایی و پذیرش دیگری مهم است، در عین حال، این شناسایی خود و دیگری بر یکدیگر تأثیر و تأثر خواهد داشت. هویت در زمان و مکان ریشه دارد و آگاهی اشخاص آن جامعه نقش مهمی در آن ایفا می‌کنند. لذا هویت یعنی بازاندیشی در جایگاه و موقعیت خود در گستره تاریخ و در درون فرهنگ موجود (تاجیک، ۱۳۸۴: ۵۰). در عصر دولت‌های ملی، هویت‌های جمعی در قالب هویت ملی معنا می‌یابد و می‌توان آن را به واسطه باور مشترک و تعهد متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص تعریف نمود. به نظر کاستلز همه ی هویت‌ها برساخته می‌شوند، اما مسئله اصلی این است که چگونه؟ از چه چیزی؟ توسط چه کسی؟ و به چه منظوری؟. برای برساختن هویت‌ها از مواد و مصالحی چون تاریخ، جغرافیا، سیاست، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره ی جمعی، رویاهای شخصی، دستگاه قدرت و وحی و الهامات دینی استفاده می‌شود. اما افراد، گروه‌های اجتماعی و جوامع، همه ی این مواد خام را می‌پروراند و غنای آنها را مطابق با الزامات اجتماعی و پروژه‌های فرهنگی‌ای که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی-مکانی آنها دارد، از نو تنظیم می‌کنند. به نظر کاستلز این که چه کسی و به چه منظوری هویت جمعی را بسازد، تا حد زیادی تعیین‌کننده ی محتوای نمادین هویت مورد نظر و معنای آن برای کسانی است که خود را با آن یکی یا بیرون از آن می‌دانند (کاستلز، ۱۳۸۵: ۲۴).

ملت از دیدگاه کاستلز جماعت‌هایی فرهنگی هستند که با تاریخ و برنامه‌های سیاسی مشترک در ذهن مردم و خاطره ی جمعی آنها برساخته می‌شوند و این مسئله که چه قدر باید تاریخ مشترک برای جمع وجود داشته باشد تا آن جمع به یک ملت تبدیل شود، بسته به زمینه‌ها و دوره‌های مختلف تغییر می‌کند. اجزا و عناصری که زمینه ساز شکل‌گیری چنین جماعت‌هایی هستند نیز متغیرند (همان: ۷۱). وی عواملی چون قومیت، مذهب، زبان، آب و خاک را فی‌نفسه برای ساختن ملت‌ها کافی نمی‌داند و بر برخورداری از تجربه ی مشترک به عنوان عامل مهم و کافی در ساختن ملت‌ها، تأکید ویژه‌ای دارد. بنابراین با توجه به اینکه تجربه ی مشترک عامل ایجادکننده ی هویت است، می‌توان با ایجاد سازوکارهایی، زمینه ی این تجربیات از افزایش داد. از جمله این سازوکارها می‌توان به آموزش و پرورش مشترک، رسانه و سیاست خارجی و دفاعی مشترک اشاره کرد (همان، ۲۰۰۱: ۱۲۳).

جدول ۱: تغییر مفهوم هویت در مدرنیته و پست مدرنیته

محور	مدرنیته	پست مدرنیته
تعریف هویت	هویت ثابت، واحد و منسجم، متأثر از نهادهای اجتماعی	هویت سیال، متکثر، نسبی و دائماً در حال تغییر
تأثیر ساختارها	تأثیر تعیین کننده ساختارهای اقتصادی و اجتماعی	تعامل متقابل فرد و ساختارهای اجتماعی متغیر
رویکرد به تغییر هویت	هویت های جمعی جدید با گسترش مناسبات مدرن شکل می گیرند	هویت ها متنوع تر و متحول تر شده و به بازسازی دائمی نیاز دارند
نگرش فلسفی	ذات گرایانه، هویت امری ذاتی و از پیش موجود	ضد ذات گرایانه و سازه گرا؛ هویت به طور اجتماعی ساخته می شود
نقش فرد	تابع شرایط اجتماعی، کمتر حق انتخاب دارد	فرد به عنوان کنشگر فعال، در ساخت هویت خود نقش دارد
چالش های هویتی	چالش میان سنت و مدرنیته	بی اعتمادی به فراروایت ها، شکل گیری هویت های خرد و حاشیه ای
بازاندیشی هویت	کمتر مورد توجه است	بازاندیشی در هویت دائماً لازم است و موجب تغییر آن می شود
نظریه پردازان کلیدی	زیگموند باومن، گیدنز	لیوتار، دریدا، نظریه پردازان پست ساختارگرا و فمینیستی

روش شناسی پژوهش

این پژوهش توصیفی و پیمایشی است، جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۱۲۴ نفر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی است که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۴۰۳ در دو پردیس دانشگاهی خواهران و برادران شاغل به تحصیل هستند، با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۰ نفر بر اساس حجم نمونه ها انتخاب شد، طبقه آماری و حجم نمونه های منتخب براساس جدول زیر انجام شد:

رشته	جنسیت	تعداد	نمونه
علوم تربیتی	زن	۶۲۷	۱۱۳
	مرد	۷۱۵	۱۲۸
تربیت بدنی	زن	۱۰۲	۱۸
	مرد	۸۹	۱۶
زبان انگلیسی	زن	۱۳۳	۲۵
	مرد	۱۴۳	۲۶
سایر رشته ها	زن	۱۵۲	۲۶
	مرد	۱۶۳	۲۸
جمع		۲۱۲۴	۳۸۰

جهت پایای پرسش نامه از آزمون آلفای کرونلاخ استفاده شد که نتایج در جدول زیر اشاره شده است :

هویت دینی	هویت ملی	هویت قومی	هویت جهانی
۰,۷۱	۰,۷۷	۰,۸۳	۰,۸۰

یافته های پژوهش

در ذیل نتایج توصیفی متغیر ها ارائه می شود و در ادامه به بررسی فرضیه ها می پردازیم :

جدول شماره ۱: اطلاعات توصیفی متغیر هویت قومی

انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱,۰۶	۲,۴	برای کسب اطلاع از تاریخ قومیتم وقت زیادی صرف می کنم
۱,۱	۲,۸	از حضور در گروه هایی که هم قومیتم هستند بیشتر استقبال می کنم
۱,۰۱	۳,۶	نسبت به قومیتم احساس غرور و افتخار دارم
۱,۲	۳,۳	مطمئنم که قومیتم اثر مثبتی در زندگی ام داشته
۰,۷	۳,۹	از قومیت خود کمال رضایت را دارم
۱	۳,۵	همیشه خود را پایبند به قومیتم می دانم
۱,۲	۳,۱	پایبندی به قومیتم در رفتارم مشخص است
۱,۳	۳,۰۱	دوست دارم در باره قومیتم با همه کس صحبت کنم
۱,۰۲	۳,۹	در مراسم فرهنگی و سور و سوگ در قومیتم شرکت می کنم
۱,۰۶	۲,۹	از زبان قومیتم در محاورات روزمره استفاده می کنم

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی میانگین و انحراف معیار گویه های مربوط به هویت قومی را نشان می دهد بیشترین میانگین مربوط به گویه " از قومیت خود کمال رضایت را دارم" با میانگین ۳,۹ از ۵ و کمترین مربوط به گویه ی " از زبان قومیتم در محاورات روزمره استفاده می کنم" با میانگین ۲,۹ از ۵ می باشد .

جدول شماره ۲: اطلاعات توصیفی متغیر هویت ملی

انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱,۰۸	۳,۸۱	به ایرانی بودنم افتخار می کنم
۰,۹۷	۳,۹۳	به سرزمینم عشق می ورزم
۱,۳۳	۳,۰۶	هرچقدر هم در کشورم سختی بکشم بهتر از رفتن به کشور بیگانه است
۱,۱۷	۳,۵۱	ایرانیان یکی از با فرهنگ ترین ملل هستند
۱,۲۲	۳,۴۳	حاضریم تا آخرین قطره خون از وطنم دفاع کنیم
۱,۲۲	۳,۴۴	شنیدن سرود ملی کشورم را دوست دارم
۱,۱۶	۳,۵۴	همیشه به پرچم ایران احترام می گذارم
۱,۳۶	۳,۳۵	خیلی وقت ها به خودم می گویم کاش در کشوری دیگر به دنیا آمده بودم
۱,۲۷	۳,۳۰	اگر فرصتی پیش آید حاضریم از ایران بروم
۱,۱۸	۳,۳۱	زندگی در ایران برایم سخت است
۱,۰۳	۳,۹۶	من دوست دارم تیم های ملی کشورم همواره در جهان نام آور باشد

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی میانگین و انحراف معیار گویه های مربوط به هویت ملی را نشان می دهد بیشترین میانگین مربوط به گویه آخر ؛ " من دوست دارم تیم های ملی کشورم همواره در جهان نام آور باشد " با میانگین ۳,۹۶ است و همچنین کمترین میانگین متعلق به گویه ی " هرچقدر هم در کشورم سختی بکشم بهتر از رفتن به کشور بیگانه است " با میانگین ۳,۰۶ است .

جدول شماره ۳: اطلاعات توصیفی مربوط به هویت جهانی

انحراف معیار	میانگین	گویه
۱,۲۵	۲,۹۶	اقتصاد ایران به اقتصاد جهان پیوند خورده
۰,۹۴	۳,۸	در تنظیم امور و زندگی شخصی باید تحولات جهانی را مد نظر قرار داد
۰,۹۶	۳,۷	به بهانه قوانین داخلی ، نمی توان قوانین جهانی را نادیده گرفت
۱,۱۳	۳,۲۳	از محصولات جالب فرهنگی غرب خوشم می آید حتی اگر مغایر با فرهنگم باشد
۰,۹۵	۳,۵۵	امروزه بیشتر مردم پایبند به ارزش های جهانی هستند تا اسلامی و ملی
۱,۰۳	۳,۳۵	قوانین کشور باید بر اساس قوانین جهانی سامان یابد .
۰,۹۹	۳,۸۷	بدون توجه به عوامل جهانی ، پیشرفتی در کشور حاصل نمی شود
۰,۸۵	۴,۳۶	به قوانین جهانی ، حقوق بشر ، حقوق زنان ، حقوق کودک و غیره احترام می گذارم

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی میانگین و انحراف معیار گویه های مربوط به هویت جهانی را نشان می دهد، بیشترین میانگین مربوط به گویه ی " به قوانین جهانی ، حقوق بشر ، حقوق زنان ، حقوق کودک و غیره احترام می گذارم " با میانگین ۴,۳۶ و کمترین میانگین مربوط به گویه ی " اقتصاد ایران به اقتصاد جهان پیوند خورده " با میانگین ۲,۹۶ می باشد

جدول شماره ۴: اطلاعات توصیفی هویت اسلامی

انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱,۴۲	۳,۲۲	در فعالیت های دینی شرکت می کنم
۰,۹۵	۳,۵۶	به اعتقاد من ، دین داری زندگی مردم را سامان می دهد
۱,۰۸	۳,۵۷	آموخته های دینی دست و پای آدم را می بندد
۱,۱۲	۳,۴۴	حاضرم برای دینم بجنگم
۱,۰۹	۳,۲۹	احساس می کنم مذهب نیازهای مرا برآورده می کند
۱,۲۰	۳,۳۳	پایبندی به اصول مذهبی ، خوشبختی افراد را تضمین می کند
۱,۲۶	۲,۰۱	اوقات فراغتم را با مطالعه کتب دینی پر می کنم

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی میانگین و انحراف معیار گویه های مربوط به هویت جهانی را نشان می دهد بیشترین میانگین مربوط به گویه ی " آموخته های دینی دست و پای آدم را می بندد " با ۳,۵۷ و کمترین میانگین مربوط به گویه " اوقات فراغتم را با مطالعه کتب دینی پر می کنم " با ۲,۰۱ می باشد .

جدول شماره ۵: میزان گرایش افراد به انواع گویه های هویتی

هویت جهانی	هویت ملی	هویت قومی	هویت دینی
میانگین	۳,۲۳	۳,۲۵	۳,۱۱
	۳,۳۶		

پس از استاندارد کردن داده ها و امکان مقایسه هریک از متغیر ها در قاصله داده ای یکسان به نظر می رسد نسبت به هویت جهانی با میانگین ۳,۳۶ اقبال بیشتری وجود دارد .

جدول شماره ۶ رابطه بین هویت های بر اساس همبستگی

هویت جهانی	هویت قومی	هویت ملی	هویت اسلامی	
هویت اسلامی	۰,۲۶*	۰,۱۲*	۰,۲۱*	۱
هویت ملی	۰,۰۸*	۰,۳۴**	۱	۰,۲۱*
هویت قومی	۰,۳۶*	۱	۰,۳۴**	۰,۱۲*
هویت جهانی	۰,۳۶*	۰,۰۸*	۰,۲۶*	۱
*سطح معناداری ۹۵ درصد				
**سطح معناداری ۹۹ درصد				

در بررسی رابطه تک متغیره بین هویت ها جدول فوق نشان می دهد بین هویت اسلامی و ملی ، هویت اسلامی و قومی ، هویت ملی و قومی رابطه مستقیم وجود دارد و با توجه به ضریب اطمینان می توان ادعا کرد با تقویت هر کدام از موارد یادشده دیگری نیز تقویت می شود اما بین هویت اسلامی، ملی و قومی با هویت جهانی رابطه معکوس وجود دارد و با تقویت هویت جهانی هویت ملی ، قومی و اسلامی تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی ثابت فعلی هویت جهانی تضعیف خواهد شد .

جدول شماره ۷: آزمون تحلیل رگرسیون تک متغیره هویت ملی و اسلامی

متغیر پیش بین	R	R ²	R ² Ad	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی داری
هویت ملی	۰,۵۲۹	۰,۲۷۹	۰,۲۷۷	۴,۲۳	۰,۲۶۵	۰,۲۸۴	۱۴,۲۳	۲۳۱/۲۶۷	۰,۰۰۱

نتایج جدول فوق نشان می دهد با تقویت هویت اسلامی هویت ملی نیز در بین جمعیت نمونه تقویت می شود نرخ R با رقم ۰,۵۲۹ نشان از همبستگی بین متغیر هویت اسلامی و ملی دارد و R^2 نشان می دهد با هر واحد تقویت هویت اسلامی در بین نمونه می توان تا ۰,۲۷۹ واحد متغیر پیش بین را تقویت نمود این ادعا با توجه به ضریب اطمینان که کمتر از ۰,۰۵ را می توان موید فرضیه محقق دانست . ضریب B با مقدار ۰,۲۶۵ نشان می دهد هر واحد افزایش در متغیر پیش بین به همین مقدار متغیر ملاک یعنی هویت اسلامی تقویت می شود

جدول شماره ۸: آزمون تحلیل رگرسیون تک متغیره هویت قومی و اسلامی

متغیر پیش بین	R	R ²	R ² Ad	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی داری
هویت قومی	۰,۱۳۷	۰,۰۱۸	۰,۰۱۵	۵,۲۳	۰,۰۸۴	۰,۱۱	۳,۲۴۱	۸,۱۲۳	۰,۰۰۰

نتایج جدول فوق نشان می دهد با تقویت هویت اسلامی هویت قومی نیز در بین جمعیت نمونه تقویت می شود نرخ R با رقم ۰,۱۳۷ نشان از همبستگی بین متغیر هویت اسلامی و قومی دارد و R^2 نشان می دهد با هر واحد تقویت هویت اسلامی در بین نمونه می توان تا ۰,۰۱۸ واحد متغیر پیش بین را تقویت نمود . با توجه به ضریب اطمینان که کمتر از ۰,۰۵ می توان فرضیه محقق را پذیرفت

ضریب B با مقدار ۰,۰۸۴ نشان می دهد هر واحد افزایش در متغیر پیش بین (هویت قومی) به همین مقدار متغیر ملاک یعنی هویت اسلامی تقویت می شود

جدول شماره ۹: آزمون تحلیل رگرسیون تک متغیره هویت جهانی و اسلامی

متغیر پیش بین	R	R ²	R ² Ad	خطای معیار	ضریب B	ضریب Beta	مقدار T	مقدار F	سطح معنی داری
هویت جهانی	۰,۲۵۱	۰,۰۶۳	۱,۰۳۷	۵,۱۶۷	-۰,۲۶۷	-۰,۱۹۵	۳,۲۷۵	۲۶,۲۴۳	۰,۰۰۲

نتایج جدول فوق نشان می دهد با تقویت هویت اسلامی هویت جهانی نیز در بین جمعیت نمونه تغییر می یابد نرخ R با رقم ۰,۲۵۱ نشان از همبستگی بین متغیر هویت اسلامی و جهانی دارد و R² نشان می دهد با هر واحد تقویت هویت اسلامی در بین نمونه می توان تا ۰,۰۶۳ واحد متغیر پیش بین را تغییر داد. با توجه به ضریب اطمینان که کمتر از ۰,۰۵ می توان فرضیه محقق را پذیرفت.

ضریب B با مقدار -۰,۱۹۵ نشان می دهد هر واحد افزایش در متغیر پیش بین (هویت جهانی) به همین مقدار متغیر ملاک یعنی هویت اسلامی تضعیف می شود

جمع بندی و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده های این مطالعه به طور کلی نشان می دهد که در جامعه نمونه، هویت های مختلف فرهنگی، ملی، جهانی و اسلامی دارای تأثیرات و تعاملات متفاوتی با یکدیگر هستند. در ادامه به بررسی جزئیات این نتایج می پردازیم. میانگین گویه های مربوط به هویت قومی نشان می دهد که افراد از قومیت خود رضایت بالایی دارند (میانگین ۳,۹) و بیشتر احساس غرور و افتخار به قومیت خود می کنند. با این حال، تمایل کمتری به صرف وقت برای کسب اطلاع از تاریخ قومیت خود دارند (میانگین ۲,۴). این نتایج حاکی از آن است که هویت قومی بیشتر بر احساسات و تعلقات شخصی و اجتماعی تأکید دارد و کمتر بر جنبه های تاریخی و تحقیقی متمرکز است. در بررسی هویت ملی؛ بیشترین میانگین مربوط به گویه "من دوست دارم تیم های ملی کشورم همواره در جهان نام آور باشد" با میانگین ۳,۹۶ است، که نشان دهنده علاقه و تعصب بالای افراد به موفقیت های ملی و ورزشی است. کمترین میانگین مربوط به گویه "هرچقدر هم در کشورم سختی بکشم بهتر از رفتن به کشور بیگانه است" با میانگین ۳,۰۶ است. این تفاوت میانگین ها نشان دهنده وجود تناقضی در هویت ملی است؛ از یک سو علاقه به موفقیت های ملی و از سوی دیگر تمایل به ترک کشور در صورت وجود مشکلات. هویت جهانی بالاترین میانگین را در گویه "به قوانین جهانی، حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق کودک و غیره احترام می گذارم" با میانگین ۴,۳۶ دارد. این امر نشان می دهد که افراد به ارزش ها و قوانین جهانی احترام زیادی قائل هستند. از سوی دیگر، پایین ترین میانگین مربوط به گویه "اقتصاد ایران به اقتصاد جهان پیوند خورده" با میانگین ۲,۹۶ است که نشان دهنده شک و تردید نسبت به پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی است.

در هویت اسلامی، بیشترین میانگین مربوط به گویه "آموخته های دینی دست و پای آدم را می بندد" با میانگین ۳,۵۷ است که نشان دهنده نگرانی های موجود درباره محدودیت های دینی است. کمترین میانگین نیز مربوط به گویه "اوقات فراغتم را با مطالعه کتب دینی پر می کنم" با میانگین ۲,۰۱ است که نشان دهنده کمترین علاقه به مطالعه و آموزش دینی در اوقات فراغت است. مقایسه میانگین های انواع هویت ها نشان می دهد که هویت جهانی با میانگین ۳,۳۶ بیشترین اقبال را دارد، در حالی که هویت دینی با میانگین ۳,۱۱ کمترین اقبال را دارد. این امر می تواند بیانگر تمایل بیشتر افراد به ارزش ها و قوانین جهانی و کمرنگ شدن اهمیت

هویت دینی در جامعه نمونه باشد. تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین هویت‌های اسلامی، ملی و قومی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معناست که تقویت هر یک از این هویت‌ها منجر به تقویت دیگری می‌شود. اما بین هویت‌های اسلامی، ملی و قومی با هویت جهانی همبستگی منفی وجود دارد که نشان می‌دهد تقویت هویت جهانی می‌تواند منجر به تضعیف هویت‌های دیگر شود. این روابط معکوس بیانگر تضاد بین ارزش‌ها و فرهنگ‌های محلی و ملی با ارزش‌ها و فرهنگ‌های جهانی است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که با تقویت هویت اسلامی، هویت ملی و قومی نیز تقویت می‌شود. به طور خاص، ضریب B برای هویت ملی ۰,۲۶۵ و برای هویت قومی ۰,۰۸۴ است که هر دو مثبت و معنادار هستند. از سوی دیگر، تقویت هویت اسلامی منجر به تضعیف هویت جهانی با ضریب -۰,۱۹۵ می‌شود. این نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم هویت اسلامی بر هویت ملی و قومی و تأثیر معکوس بر هویت جهانی است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هویت‌های اسلامی، ملی، قومی و جهانی در جامعه نمونه دارای روابط پیچیده‌ای با یکدیگر هستند. در حالی که تقویت هویت اسلامی می‌تواند منجر به تقویت هویت ملی و قومی شود، این تقویت می‌تواند به تضعیف هویت جهانی منجر شود. این یافته‌ها می‌توانند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کمک کنند تا با درک بهتر از تعاملات بین هویت‌ها، برنامه‌های موثرتری برای تقویت هویت‌های مختلف در جامعه اجرا کنند.

در مقایسه نتایج حاصل از این مطالعه با پژوهش‌های پیشین، برخی همگرایی‌ها و واگرایی‌ها مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده پیچیدگی و دینامیک روابط بین هویت‌های مختلف در جامعه ایران است. مطالعه‌ی فرزاد جهانگیری و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که جهانی‌شدن می‌تواند منجر به تغییراتی در هویت دینی دانشجویان شود. نتایج این پژوهش نیز همسو با این یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت جهانی با هویت اسلامی رابطه‌ی معکوس دارد، به‌طوری‌که تقویت هویت جهانی می‌تواند به تضعیف هویت اسلامی منجر شود. این نشان‌دهنده تأثیرات منفی جهانی‌شدن بر هویت دینی است که با نتایج جهانگیری و همکاران همخوانی دارد. مطالعه‌ی زهرا حسینی و همکاران (۱۴۰۰) به تعامل هویت ملی و دینی پرداخت و نشان داد که بسیاری از دانشجویان توانسته‌اند تعادلی میان هویت دینی و ملی خود برقرار کنند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش حاضر نیز همخوانی دارد، جایی که تحلیل همبستگی نشان داد بین هویت اسلامی و ملی همبستگی مثبت وجود دارد. این بیانگر این است که تقویت یکی می‌تواند به تقویت دیگری منجر شود و نشان‌دهنده وجود تعادل بین این دو هویت در جامعه نمونه است. مطالعه‌ی محمدتقی معصومی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که جهانی‌شدن و مواجهه با فرهنگ‌های مختلف می‌تواند به چالش‌هایی در هویت اسلامی منجر شود. نتایج پژوهش حاضر نیز حاکی از تأثیر معکوس هویت جهانی بر هویت اسلامی است. این همسویی نشان می‌دهد که جهانی‌شدن همچنان یکی از چالش‌های مهم برای حفظ هویت اسلامی در جامعه است و با تقویت هویت جهانی، هویت اسلامی ممکن است تحت فشار قرار گیرد. لیلا کاظمی و همکاران (۱۳۹۷) به نقش نظام آموزشی در تقویت هویت اسلامی پرداختند و نشان دادند که برنامه‌های آموزشی و فرهنگی می‌توانند به طور مؤثری در تقویت هویت اسلامی نقش داشته باشند. در پژوهش حاضر، با وجود بررسی کلی بر هویت‌های مختلف، توجه خاصی به نقش آموزش و پرورش نشده است. اما نتایج نشان می‌دهد که برای مقابله با تأثیرات منفی جهانی‌شدن، تقویت برنامه‌های آموزشی و فرهنگی می‌تواند راهکاری مؤثر باشد. احمد نادری و همکاران (۱۴۰۱) تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت اسلامی را بررسی کردند و نشان دادند که استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به تغییراتی در هویت اسلامی دانشجویان شود. این یافته‌ها نیز با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد، جایی که تأثیرات جهانی‌شدن (که شبکه‌های اجتماعی نیز بخشی از آن هستند) به تضعیف هویت اسلامی منجر می‌شود. مطالعات بین‌المللی مانند آثار پیترو مندویل (۲۰۲۰) و طریق مدود و ناصر میر (۲۰۱۹) و نصرتی (۱۴۰۰) به تأثیرات جهانی‌شدن بر هویت اسلامی در سطح جهانی پرداخته‌اند. این مطالعات نیز نشان می‌دهند که جهانی‌شدن می‌تواند به تغییرات و چالش‌هایی در هویت اسلامی منجر شود. نتایج پژوهش حاضر نیز این تغییرات و چالش‌ها را در جامعه ایران

تأیید می‌کند و نشان‌دهنده تأثیرات مشابه جهانی‌شدن بر هویت اسلامی در ایران است. نتایج این مطالعه با بسیاری از پژوهش‌های پیشین در داخل و خارج از ایران همخوانی دارد. تأثیرات جهانی‌شدن بر هویت دینی و چالش‌های ناشی از آن، تعامل مثبت بین هویت‌های ملی و دینی، و نقش مهم آموزش و پرورش در تقویت هویت‌های فرهنگی از جمله نقاط مشترک بین یافته‌های این پژوهش و پیشینه تحقیق است. این مقایسه نشان می‌دهد که برای حفظ و تقویت هویت‌های ملی و دینی در برابر تأثیرات جهانی‌شدن، توجه به برنامه‌های آموزشی و فرهنگی و مدیریت صحیح شبکه‌های اجتماعی اهمیت بالایی دارد.

منابع

- انصاری، محمد رضا (۱۳۹۹)، پایان نامه دکتری مطالعه جامعه شناختی منابع بنیان هویتی دانشجویان دانشگاه تهران، گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی
- انصاری، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۸) مطالعه جامعه‌شناختی منابع هویتی دانشجویان دانشگاه تهران، مطالعات جامعه شناختی، دانشگاه تهران دوره ۲۶ شماره ۲ صص ۲۹۳-۳۱۲
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). «انسان مدرن و معمای هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۲۱.
- جهانگیری، فرزاد و همکاران. (۱۳۹۸). "بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر هویت دینی دانشجویان دانشگاه‌های ایران". مجله تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۱۲.
- حسینی، زهرا و همکاران. (۱۴۰۰). "تعامل هویت ملی و دینی در میان دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه‌های تهران". فصلنامه مطالعات هویتی، شماره ۸.
- ذکایی، م. ۱۳۸۱، **آموزش شهروندی**، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۱.
- کاظمی، لیلا و همکاران. (۱۳۹۷). "نقش آموزش و پرورش در تقویت هویت اسلامی دانشجویان: مطالعه‌ای در دانشگاه فرهنگیان". مجله آموزش و پرورش اسلامی، شماره ۱۰.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)*، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *تجدد و تشخص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی؛
- گیدنز، آ. ۱۳۷۸، **تجدد و تشخص**، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، انتشارات نی.
- معصومی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۹۹). "چالش‌های هویت اسلامی در عصر جهانی‌شدن: مطالعه‌ای بر روی دانشجویان دانشگاه‌های فرهنگیان". مجله پژوهش‌های دینی و فرهنگی، شماره ۱۵.
- نادری، احمد و همکاران. (۱۴۰۱). "تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر هویت اسلامی دانشجویان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران". فصلنامه جامعه‌شناسی دینی، شماره ۱۴.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵)، *نگاهی تحلیلی به روند تحول مفهوم هویت در قالب‌های سه گانه ی هویت سنتی، مدرن و پست مدرن*، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره دوم؛
- نصرتی، روح الله و همکاران (۱۴۰۰) ارزیابی اثرات برنامه توسعه ای بر جوامع محلی، نشریه مطالعات جامعه شناختی، پیاپی ۵۸ صص ۲۳۲-۲۵۹

Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity*. Stanford University Press.

Held, D., McGrew, A., Goldblatt, D., & Perraton, J. (1999). *Global Transformations: Politics, Economics, and Culture*. Stanford University Press.

Esposito, J. L., & Voll, J. O. (2001). *Makers of Contemporary Islam*. Oxford University Press.

Yavuz, H. (2003). *Islamic Political Identity in Turkey*. Oxford University Press.

- Hunter, S. (1998). *The Future of Islam and the West: Clash of Civilizations or Peaceful Coexistence?* Praeger.
- Castells, M. (2010). *The Power of Identity: The Information Age: Economy, Society, and Culture*. Wiley-Blackwell.
- Mandaville, P. (2020). *Islam and Politics*. Routledge.
- Huntington, S. P. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. Simon & Schuster.
- Nussbaum, M. C. (2012). *The New Religious Intolerance: Overcoming the Politics of Fear in an Anxious Age*. Harvard University Press.
- Safi, O., & Khamis, S. (2021). Digital Islam: Representation and Mobilization. *Journal of Communication*, 71(2), 241-260.
- Kellner, Douglas (1992); Poular Culture and the Construction of Postmodern Identities, ch. 6 in Lash & Friedman (eds) pp. 141-177
- Cesari, J. (2014). *The Awakening of Muslim Democracy: Religion, Modernity, and the State*. Cambridge University Press.
- Modood, T., & Meer, N. (2019). The Multicultural State We're In: Muslims, 'Multiculture' and the 'Civic Re-balancing' of British Multiculturalism. *Political Studies*, 67(1), 207-223.